

# هو الابهى - الحمد لله الذى اشرق بنور الميثاق على...

حضرت عبدالبهاء

اصلى فارسى



۲۳۲

هو الابهى

الحمد لله الذى اشرق بنور الميثاق على الآفاق و اظهر اسرار العهد فى حيز الشهود من دون حجاب و غطاءً بأثر من القلم الأعلى فاهتزت به قلوب اهل النهى و انشروحت به صدور اهل الهدى و طارت به فرحاً أفئدة اهل الوفاء و اطلقوا الألسنة بالثناء على جمال الأبهى بما كشف الحجاب و هتك الستار و آيد الكلّ بشديد القوى و نور الأرجاء بالنور الساطع من الملاء الأعلى كتاب عهده المبين و منشور ميثاقه العظيم و جعله ميزان الايقان و صراط الايمان و موهبة الرحمن و عطية السبحان و التحيّة و الثناء على الحقيقة النورانية و الكلمة الوحداية و الشجرة الرحمانية و الحقيقة الصمدانية الفائضة على الوجود فى حيز الشهود بالنور المحمود تحية تتعطر منها الآفاق و يظهر بها الروح بقوة الانبثاق و يضىء بها الأرجاء بشعاع ساطع الاشراق اللهم يا كاشف الغطاء و معطى العطاء و هاتك الأستار و مظهر الأنوار آيد عبادك هؤلاء على ما تحبّ و ترضى و نور وجوههم فى ملكوتك العظيم بفيضك القديم و لطفك العميم و اجعلهم آيات توحيدك الساطعة الاشراق و رايات تجيدك الخالقة على الآفاق و امواج بحر عرفانك المتدفقة على قلوب اهل الوفاق انك انت ربّ الميثاق و انك انت الكريم المتعال.

ای بندگان الهی صبح هدی روشن است و قلوب اهل وفا گلزار و گلشن. نسمة الله در هبوب است و روح الله در مرور. دل های پزمرده تر و تازه است و هیاکل افسرده در نهایت لطافت و طراوت بی اندازه. مشام را به گلشن ابهی متوجه نمائید نفحات روح القدس می وزد. نظر به ملکوت ابهی کنید فیض قدیم می رسد. توجه



ORIGINAL



AUDIO

به افق اعلیٰ کنید صبح امید می‌دمد. این فضل از خصائص قرن اعظم است که از بدایت تا نهایت مطلع نور شدید جمال قدمست. پس غنیمت شمارید و فرصت از دست مدهید زیرا نسیم صبح احدیت هر دم نوزد و انوار شمس حقیقت در هر قرن به قوه کلیه از مطالع آفاقیه ندمد. این عصر عصر اول است و این قرن قرن معظم. در قرون آتیه هرچند اعلام هدایت بر جمیع اقالیم موج زند ولی قوت تأیید در این قرن اکمل از جمیع قرون و نور توحید به شعاعی شدید ساطع بر قلوب. یک قدم در این دم حکم صد هزار قدم دارد و یک نفس در این نفس حکم صد هزار انفاس زیرا بدایت فیض است و وقت شدت نزول غیث. مومنان فصل ربیعست و زهنتش بسی لطیف و بدیع. طراوتش در نهایت لطافت و صباحتش در غایت ملاحظت. از فضل جمال قدم امید است که آن دوستان الهی چنان ثبوت و استقامتی نمایند که بنیان مقاومت زیر و زبر گردد و چنان تجلی نور کنند که ظلام دیجور مضمحل شود. بر سواحل دل‌ها چنان موجی زند که بحریقین طوفان نماید و چنان عطری منتشر کند که مشام‌ها معطر گردد. ای احبای الهی وقت ثبوت و رسوخست. ای منجذبان بهائی وقت استقامت و مقاومت و انقطاع و توجه و توسل و تبتل و حبور. الیوم مور ضعیفی چون بر عهد قدیم قیام نماید سلیمان پرحشمت گردد و ذره حقیری چون در هوای میثاق برپرد کوب اشراق گردد. قطره موج دریا یابد و ذره اوج نیر اعلیٰ. این امر مسلم است و محتوم و تأثیرش نشئه رحیق محتوم. بنیان پیمان محکمست و متین و اشراق میثاق نوری است مبین. قصور و فتور اهل غرور چون ظلام دیجور زائل و آفل و متلاشی گردد. آن منشور اثر خامه ربّ النّشور است و آن لوح محفوظ اثر کلک سلطان ظهور. در قرآن می‌فرماید انا نحن نزلنا الذّکر و انا له لحافظون. محفوظ است و مصون. مثبت است و منصوب. بنیانش مرصوص، صفوف اوهم را مجالی نه و الوف بغضا را نفوذی نه. عن قریب ملاحظه می‌نمائید که علم میثاق موج بر آفاق زند و نور پیمان چون مه تابان بر اکوان درخشد یومئذ یفرح قلوب الثّابین و یقشعرّ جلود النّاقضین الا انهم فی خسران مبین و البهّاء علیکم.